

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش مستعد

سال سوم، شماره ۲۶، شهریور ۱۴۰۰



هوا را بعبین سازد دل بیچاره امیران را

نگاهی کن نگاهی کن دل بیچاره ما را

دانش سلامت

ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی
شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
سال سوم، شماره ۴۶، شهریور ۱۴۰۰



مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

سخن آغازین

۴..... وصیت به یاران

سلامت در فتن

۵..... نقش شاهد و ناظر بودن خداوند در ارتقای سلامت معنوی
محمود شکوهی تبار

سلامت در احادیث

۸..... اعتبارسنجی روایات فواید و آثار مسواک زدن
محمود شکوهی تبار

فقه سلامت

۱۳..... قاعده «اضطرار»
احمد مشکوری

اخلاق سلامت

۱۵..... عبت در نظام سلامت
محسن رضایی آدریانی

۱۷..... جمع‌پراکنده
محسن رضایی آدریانی

فلسفه سلامت

۱۹..... بیمار به عنوان یک شخص ۳
صادق یوسفی

معرفی کتاب

اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری از دیدگاه پزشکی، فقهی، حقوقی، اخلاقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی..... ۲۱

زلال سلامت

۲۲..... غزل مزار

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی‌خواه

سردبیر: دکتر اکرم حیدری

امور اجرایی: محمد سالم

ویراستار: حورا خمسه

طراحی و صفحه‌آرایی: فاطمه سادات حسینی

راهنمای نویسندگان



نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.
- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.
- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.
- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی

تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به‌عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون‌متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به‌عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان مقاله/ کتاب/ پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه

بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسؤول اعلام خواهد شد.

- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات

داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط

اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.

- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه hrj@muq.ac.ir



وصیت به یاران

پایبند امر نماز شوید و بر آن محافظت نمایید و آن را زیاد بخوانید و به وسیله نماز به خداوند تقرب جویید؛ زیرا بر مؤمنین امری واجب در اوقاتی معین است. آیا پاسخ اهل عذاب را نشنیدید زمانی که از آنان پرسیده می‌شود: «چه چیز شما را به جهنم آورد؟ می‌گویند: از نماز گزاران نبودیم!» نماز همچون ریختن برگ درخت گناهان را می‌ریزد و همچون بندی که بازگردد بند گناهان را می‌گشاید.

رسول خدا ﷺ نماز را به چشمه آب گرمی که بر خانه انسان باشد و شبانه روز پنج نوبت خود را در آن بشوید تشبیه کرده است که آیا چرک و آلودگی در بدن چنین کسی باقی خواهد ماند؟ از مردم مؤمن، حق نماز را آنانی شناختند که زیبایی متاع دنیا و مایه چشم‌روشنی از فرزندان و اموال آنان را به خود مشغول نکرده است. خداوند سبحان می‌فرماید: «مردانی که آنان را تجارت و دادوستد از ذکر خدا و به پا کردن نماز و ادای زکات بازمی‌دارد...».

رسول خدا ﷺ با اینکه مژده بهشت را از خداوند دریافته بود، خود را برای نماز به زحمت می‌انداخت؛ به دلیل اینکه خداوند به او فرموده بود: «اهل خود را به نماز امر کن و نسبت به آن شکبیا باش...». آن حضرت اهلش را به نماز امر می‌کرد و خود نیز در به پا کردن آن شکبیایی به خرج می‌داد.

آنگاه نماز و زکات برای اهل اسلام وسیله قرب به خداوند قرار داده شد. کسی که زکات را از روی رغبت ادا کند برای او کفاره از گناه و مانع و سپر عذاب خواهد بود. انسانی که زکات

می‌پردازد، نباید خاطر خود را به آن مشغول سازد و به این علت اندوهی به دل راه دهد؛ زیرا کسی که آن را از روی بی‌میلی بپردازد و به چیزی که از خود زکات برتر است، امید داشته باشد، به سنت پیامبر جاهل است و در بردن پاداش مغبون، و در عمل گمراه، و حسرتش در پیشگاه حق طولانی خواهد بود.

سپس اداء امانت است. آن که امین نیست، زیانکار است. امانت بر آسمان‌های برافراشته و زمین‌های گسترده و کوه‌های بلند و استوار عرضه شد؛ درحالی که درازتر و پهن‌تر و بلندتر و بزرگ‌تر از آن‌ها نبود و اگر چیزی به دلیل طول و عرض و یا قدرت و عزت از قبول امانت امتناع می‌ورزید، هرآینه آسمان و زمین و کوه بود، اما از عقوبت ترسیدند و آنچه را که موجود ضعیف‌تری همچون انسان به آن نادان بود، درک کردند. «... او ستمکار و نادان است».

آنچه بندگان در شب و روز خود انجام می‌دهند بر خداوند پاک مخفی نیست، به کار پنهان عباد آگاه و به علمش بر آن محیط است، اعضای شما، شاهدان خدا بر شما و اندامتان، لشکر حق و درویشان، جاسوسان الهی هستند و خلوت‌های شما برای او آشکار است.

منبع

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰، ترجمه حسین انصاریان، <https://www.erfan.ir/farsi/nahj1-190> دسترسی در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۲۷.

نقش شاهد و ناظر بودن خداوند در ارتقای سلامت معنوی

محمود شکوهی تبار
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
shokouhi@muq.ac.ir

پیشگیری کند. این نظارت، نظارت استطلاعی نیست؛ به این معنا که ناظر، تنها نظاره‌گر باشد و از اعمال و نیات اطلاع داشته باشد و هیچ اثری بر آن مترتب نباشد؛ بلکه اطلاع و آگاهی‌ای است که با ضمانت اجرای تغییر رفتار همراه است و مراد از آن درنهایت، هدایت یا بازداشتن کنش‌های انسان است؛ برای مثال مدیر و رئیس یک مجموعه می‌کوشد با نظارت خود، کنش‌های مجموعه تحت مدیریت خود را هدایت و آنان را به رعایت هنجارهای آن مجموعه ملتزم کند و از تخلف از آن هنجارها بازدارد و برای این منظور از امکانات و منابعی که در اختیار دارد، بهره می‌برد.

قرآن کریم، خداوند را به‌عنوان ناظری مهم که از توان و منابع کافی برای هدایت یا بازداشتن کنش‌های افراد برخوردار است، معرفی کرده و درصدد است که نشان دهد حق‌تعالی از این توان در راستای هدایت کنش‌های انسان‌ها بهره برده است و به این وسیله آنان را به هنجارهای الهی دعوت کرده و از تخلف از این هنجارها بازداشته است. بر همین اساس، در بیشتر موارد، بعد از بیان دعوت به تبعیت از هنجار مثبت، از شاهد و ناظر بودن خداوند سخن به میان آمده است: «... وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (بقره: ۱۵۸)؛ کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار و (از افعال وی) آگاه است». در این آیه دو عبارت «شاکر» و «علیم» استفاده شده است. واژه «علیم» نشان می‌دهد که خداوند

سلامت معنوی، به معنی بینش، گرایش و توانایی لازم برای تعالی روح دانسته شده که همان قرب خداوند است. به‌طوری‌که همه امکانات درونی، به‌گونه‌ای هماهنگ و متعادل در این مسیر به کار گرفته شود (مصباح، ۱۳۹۲: ۸۶) که حاصل آن، نیل به حیات برتر و ملکوتی انسانی خواهد بود. چنین فردی معنی زندگی خود را خواهد فهمید، به ارزش خود و دیگران و محیط پی خواهد برد، بر منابع درونی خود مسلط خواهد شد و توانایی انطباق با سختی‌ها را خواهد داشت. با این تعریف، سلامت معنوی تأثیری عمیق بر زندگی فردی و حرفه‌ای او خواهد گذاشت و با ارتقای سلامت معنوی، زندگی فردی و حرفه‌ای بهتری تجربه خواهد کرد. یکی از مباحث مهم در سلامت معنوی، مؤلفه‌های اثرگذار بر آن و به عبارتی سازوکارهای ارتقای آن است.

از مسائل مهم در ارتقای سلامت معنوی، توجه به شاهد و ناظر بودن خداوند بر اعمال و رفتار انسان‌هاست. پیش‌تر بیان شد که قرآن کریم خداوند را به‌عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین فرد در زندگی انسان معرفی کرده است. در این مجال به بخشی از آیات حیات‌بخش وحی می‌پردازیم که خداوند را به‌عنوان شاهد و ناظر بر اعمال انسان‌ها معرفی کرده است. آیات نورانی وحی تأکید فراوانی بر شاهد و ناظر بودن خداوند دارد و او را به‌عنوان مهم‌ترین ناظر معرفی کرده و کوشیده است از این طریق مخاطبان خود را به هنجارهای الهی ملتزم و از وقوع کج‌روی

به اعمال بندگان آگاهی دارد و «شاکر» حاکی از این است که در ازای این تبعیت از هنجارها، به او پاداش خواهد داد که ضمانت اجرای آن به شمار می‌آید. در واقع، خداوند با استفاده از منابعی که در اختیار دارد به هدایت کنش‌های انسان اقدام کرده است. همچنین، در مواردی که از هنجاری منفی نهی شده غالباً نظارت خداوند را متذکر شده است: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۸۱)؛ پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند، گناه آن، تنها بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می‌دهند؛ خداوند، شنوا و داناست». در این آیه، قرآن برای هدایت مخاطبانش به شاهد و ناظر بودن خداوند توجه داده و در این راستا به سمیع و علیم بودن خداوند اشاره کرده است. در واقع، برای اینکه مخاطبان را از تغییر وصیت که مصداق کج‌روی است، بازدارد، به آگاهی خداوند تأکید کرده است.

این آگاهی در کنار آیات دیگری که حاکی از دیگر مهم بودن خداوند، تشویق‌ها، تنبیه‌ها و دیگر سازوکارها، مخاطب را از کج‌روی بازداشته و به هم‌نوایی با هنجارها مجاب می‌کند. به همین منظور، در موارد متعدد اوصاف حاکی از علم خداوند را با قدرت و فرمان‌روایی و سیطره خداوند همراه کرده است؛ مانند «... إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق: ۱۲)؛ خداوند بر هر چیز تواناست و علم او به همه چیز احاطه دارد!». «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (بروج: ۹)؛ همان کسی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن اوست و خداوند بر همه چیز گواه است!« همچنین در موارد بسیاری علم و آگاهی حضرت حق را با ضمانت‌های اجرایی همراه ساخته است؛ برای نمونه در سوره انعام آمده است: «فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنِ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ» (انبیاء: ۱۰۹-۱۱۰)؛ اگر باز روی‌گردان شوند، بگو: من به همه شما یکسان اعلام خطر می‌کنم و نمی‌دانم آیا وعده (عذاب خدا) که به شما داده می‌شود نزدیک است یا دور! او سخنان آشکار را می‌داند و آنچه را کتمان می‌کنید (نیز) می‌داند (و چیزی بر او پوشیده نیست)». در این آیات پس از بیان هشدار از سوی رسول خدا ﷺ درباره وعده‌های الهی، به علم خداوند اشاره شده است.

نکته‌ای که نقش این نظارت را در هدایت باورها و رفتارها و بازداشتن از کج‌روی، بیش‌ازپیش روشن می‌کند این است که نظارت خداوند، نظارتی همیشگی و همه‌جانبه است و در صورتی که با فرهنگ‌سازی مناسب در میان آحاد جامعه مورد پذیرش قرار گیرد، ابزاری مهم در جهت رشد و تعالی و پیشگیری از افتادن به ورطه گناهان و سقوط شخصیت اخلاقی و در نتیجه، ارتقای سلامت معنوی افراد خواهد بود. در قرآن کریم آیات فراوانی به این بحث پرداخته‌اند و بسیاری از آیات مربوط به توحید و معاد که حجم زیادی از قرآن را تشکیل داده به‌نوعی به این بحث مرتبط است و با همه قوا به فرهنگ‌سازی در این زمینه اقدام کرده است.

شاهد و ناظر بودن خداوند به دو صورت نظارت مستقیم و غیر مستقیم در قرآن مطرح شده است که در ادامه آیات مربوط به هر دو ذکر می‌شود:

نظارت مستقیم

قرآن کریم با عبارتهای مختلف به نظارت مستقیم خداوند توجه داده است: انسان هیچ کاری انجام نمی‌دهد، جز آنکه وقتی سرگرم آن است، خداوند گواه و شاهد اوست. به اندازه وزن ذره‌ای در زمین و آسمان از پروردگار پوشیده نیست، مگر آنکه در کتابی روشن ثبت است؛ «لَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (یونس: ۶۱). خدا دانای همه چیز است؛ «هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۹). شنواست؛ «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۸۱). می‌بیند؛ «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل‌عمران: ۱۵). بر همه چیز از جمله انسان‌ها و اعمالشان احاطه دارد؛ «أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق: ۱۲) و «إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل‌عمران: ۱۲۰). همه این آیات و آیات مشابه که بیش از ۳۴۷ آیه را شامل می‌شود (داوری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۰)، حاکی از این است که خداوند نظارتی مستمر و همه‌جانبه دارد و هیچ‌چیز از نظر او پنهان نیست.

نظارت غیر مستقیم

قرآن کریم برای ملموس‌تر شدن و

اثرگذاری بیشتر نظارت خداوند، در آیات متعدد افزون بر نظارت مستقیم، به نظارت خدای سبحان به واسطه پیامبران، ائمه، فرشتگان الهی، اعضای بدن و حتی زمین زیر پای انسان توجه داده است که در ادامه به آیات هر بخش اشاره می‌شود.

۱- شهادت رسول اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام:

قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ را شاهد و ناظر بر امت معرفی کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب: ۴۵ و آیات مشابه: فتح: ۸؛ مزمل: ۱۶). در جای دیگر می‌فرماید: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۱۰۵) در این آیه، خدای سبحان و رسول الله و مؤمنان شاهد اعمال دانسته شده‌اند. مفسران شیعه مراد از «المؤمنون» در این آیه را ائمه علیهم السلام دانسته‌اند و بر اساس ظاهر آیه و روایات اهل بیت علیهم السلام ذیل آیه مذکور، بر آن استدلال کرده‌اند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۷۴: ۱۲۴-۱۲۸).

۲- شهادت فرشتگان الهی: در فرهنگ

قرآن، فرشتگان شاهد و ناظر اعمال انسان‌ها هستند و اعمال انسان را ثبت و ضبط می‌کنند: «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» (انفطار: ۱۰-۱۲)؛ و بی‌شک، نگاهبانانی بر شما گمارده شده و الامقام و نویسندگان (اعمال نیک و بد شما) که می‌دانند شما چه می‌کنید!.

۳- شهادت اعضای بدن: اعضای بدن

انسان نیز در روز قیامت شهادت خواهند داد که نشان می‌دهد آنان نیز شاهد اعمال ما هستند. در سوره مبارکه نور می‌فرماید: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نور: ۲۴)؛ در آن روز زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان بر ضد آن‌ها به اعمالی که مرتکب می‌شدند، گواهی می‌دهد!.

همچنین، در سوره مبارکه یس به این مسئله اشاره شده است: «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ

وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس: ۶۵)؛ امروز بر دهانشان مهر می‌نهییم و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می‌دادند شهادت می‌دهند!.

۴- شهادت زمین بر عملکرد انسان: «إذا

زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا... يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» (زلزله: ۱-۵)؛ هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید... در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می‌کند؛ چراکه پروردگارت به او وحی کرده است! با توجه به سیاق، یکی از مصادیق اخباری که زمین از آن سخن خواهد گفت، اعمال انسان‌هاست (ر.ک: مدرسی. ۱۴۱۹ ق: ۲۷۸/۱۸؛ طوسی. ۱۳۷۲: ۳۹۳/۱۰). طبق این آیات، حتی زمین به ظاهر بی‌جان، شاهد و ناظر اعمال ماست و در روز قیامت شهادت خواهد داد.

آیات یادشده نشان می‌دهد که انسان همیشه و در همه حال در مرأی و منظر خدای سبحان است و این شاهد و ناظر بودن، در راستای هدایت افکار، نیات و عملکرد انسان و ارتقای سلامت معنوی اوست.

منابع:

-قرآن کریم.

-مصباح، مجتبی و همکاران (۱۳۹۲). سلامت معنوی از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات حقوقی.

-مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.

-مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبى الحسين.

-طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۲). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اعتبارسنجی روایات فواید و آثار مسواک زدن

محمود شکوهی تبار
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
shokouhi@muq.ac.ir

نبود روایات متعارض با روایات یادشده، نشان داده شده که حاکی از اعتبار دلالی این روایات است. به مواردی که یک روایت با سندهای مختلف در منابع متفاوت تکرار شده، توجه داده شده است. همچنین، روایاتی که با مضمون مشابه در منابع مختلف ذکر شده مورد توجه قرار گرفته است تا میزان اعتبار روایات نشان داده شود. همچنین، به مواردی که سند روایت با ضعف مواجه بود، ولی قرائن پیرامونی موجب اعتباربخشی به آن می‌شد، اشاره شده است. در مواردی که لازم بود، نسخه‌های مختلف روایات یک کتاب و گزارش روایت در کتاب‌های مختلف بررسی شده و روایت در کنار دیگر روایات مرتبط گذاشته شده است تا نسخه صحیح‌تر کشف شود.

برخی روایات در این زمینه ده و برخی دوازده فایده برای مسواک بر شمرده‌اند و برخی دیگر خصوصاً یک یا چند فایده را بازگو کرده‌اند. به منظور اعتبارسنجی روایات در این زمینه، نخست روایاتی که به صورت یکجا به فواید مسواک زدن اشاره کرده‌اند، مطرح شده است و در ادامه برای نشان دادن میزان اعتبار تک تک موارد، روایات مربوط به هر کدام جداگانه آورده شده است.

شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه به صورت مرسل از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «وَقَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: فِي الْمَسْوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِّ وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصِيرِ وَ يُرْضِي الرَّحْمَنَ وَ بَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ

بهداشت دهان و دندان، از جمله مسائل مورد توجه و تأکید روایات است. بخشی از روایات در این زمینه به برشماری فواید مسواک پرداخته‌اند. دانستن این آثار و فواید انسان را بیش از پیش به التزام به مسواک تشویق خواهد کرد. با توجه به اینکه استفاده بهتر از این روایات در گرو اعتبارسنجی آن‌هاست، در این مجال به اعتبارسنجی روایات یادشده می‌پردازیم. اعتبارسنجی سندی روایات بر اساس کار ارزشمند محققان نرم‌افزار درایه النور انجام شده و تلاش شده است ضمن گزارش آن، گامی در دیگر ابعاد اعتبارسنجی این روایات برداشته شود. در این راستا، روایات از کتاب‌های کافی، محاسن، خصال، من لایحضره الفقیه و ثواب الاعمال و عقاب الاعمال است. برخی محققان، میزان اعتبار این کتاب‌ها را چنین دسته‌بندی کرده‌اند: کتاب کافی، من لایحضره الفقیه و ثواب الاعمال و عقاب الاعمال در درجه اول اعتبار هستند. در بین این کتب نیز، کافی -از جمله کتب اربعه شیعه- معتبرترین کتاب حدیثی شیعه به شمار می‌آید. من لایحضره الفقیه نیز از جمله کتب اربعه و البته در مرتبه‌ای پایین‌تر از کافی قرار دارد. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال و خصال شیخ صدوق نیز در مرتبه‌ای پایین‌تر از کتب اربعه، ولی در عین حال از جمله کتب درجه اول بر شمرده می‌شوند. کتاب محاسن نیز در درجه دوم اعتبار قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۸۱). بنابراین، روایات مطرح‌شده در این پژوهش از اعتبار منبعی برخوردار هستند. در این مقاله، با تشکیل خانواده حدیثی، همسویی روایات و

وَ يَشُدُّ اللُّثَّةَ وَ يَشَهِّي الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الحِفْظِ وَ يُضَاعِفُ الحَسَنَاتِ وَ تَفْرَحُ بِهِ المَلَائِكَةُ (صَدُوق. ۱۴۱۳ ق: ۵۵/۱، ح ۱۲۶)؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: در مسواک زدن دوازده فایده و اثر است: جزئی از سنت، پاکیزه‌کننده دهان و روشنی‌بخش چشم است. خداوند را خشنود می‌سازد. دندان‌ها را سفید می‌کند. زردی دندان را از بین می‌برد. لثه را محکم ساخته، اشتهای غذا می‌آورد. بلغم را از بین برده، حافظه را زیاد می‌کند. اجر و حسنات را دوچندان کرده، فرشتگان بدان شادمان می‌شوند.

همان‌طور که بیان شد، سند این روایت متصل نیست؛ هرچند ایشان در خصال و ثواب الاعمال و عقاب الاعمال نیز این روایت را به‌صورت مسند نقل کرده است (صَدُوق. ۱۴۱۶ ق: ۴۸۱ و ۵۳؛ صَدُوق. بی‌تا: ۳۴) که سند آن به دلیل وجود «عبیدالله الدهقان» که علمای رجال تضعیف کرده‌اند (نجاشی. ۱۳۶۵: ۲۳۱؛ حلی. ۱۴۰۲ ق: ۲۴۵)، ضعیف است و احتمال می‌رود سند روایت مرسل نیز همان سند مذکور در دو کتاب فوق باشد. براین اساس، به دلیل وجود فردی که مورد تضعیف علمای رجال قرار گرفته است، سند روایت ضعیف جدی دارد.

در کافی در روایتی مشابه آمده است: «وَ عَنَّهُم عَنِ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَحْرٍ عَنْ مَهْزَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: فِي السُّوَاكِ عَشْرٌ خِصَالٌ مَطَهَّرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَ مَفْرَحَةٌ لِلْمَلَائِكَةِ وَ هُوَ مِنْ السُّنَّةِ وَ يَشُدُّ اللُّثَّةَ وَ يَجْلُو البَصَرَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۴۹۵/۶، ح ۵)؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: در مسواک ده فایده و اثر است: پاکیزه‌کننده دهان است و موجب رضایت پروردگار می‌شود. موجب شادی ملائک و بخشی از سنت است. لثه را محکم می‌سازد. روشنی‌بخش چشم است و بلغم و زردی دندان را از بین می‌برد.» روایت نقل شده در کافی به دلیل وجود «حسین بن بحر» که اطلاعاتی از ایشان در کتب رجال نیامده است، ضعف سندی دارد. در المحاسن نیز روایت فوق آمده است (برقی. ۱۳۷۱ ق: ۵۶۲).

و ۹۵۳)، ولی در سند این روایت نیز «حسن بن یحیی» وجود دارد که از ایشان هم در کتب رجالی اطلاعاتی در دست نیست؛ بنابراین این روایت هم از نظر سندی با ضعف روبه‌روست شبیه روایات فوق در من لایحضره الفقیه هم آمده است (صَدُوق. ۱۴۱۳ ق: ۳۶۵/۴، ح ۵۷۶۲؛ صَدُوق. ۱۴۱۶ ق: ۱۲۲-۱۲۶) که این روایت نیز به دلیل وجود «حماد بن عمرو النصبی» که اطلاعاتی از او در کتب رجالی نیامده ضعیف است. همچنین، روایت دیگری با مضمون مشابه در خصال آمده است (صَدُوق. ۱۴۱۶ ق: ۴۴۹، ۵۱) که سند آن هم به دلیل ارسال در سند و نیز وجود «عمرو بن جمیع» که علمای رجال او را تضعیف کرده‌اند (نجاشی. ۱۳۶۵: ۲۸۸، طوسی. ۱۴۲۷ ق: ۲۵۱)، ضعف دارد. همان‌طور که می‌بینیم، ضعف سند روایات فوق غیر از روایت آخر که خصال آن را گزارش کرده است، در حد مبهم بودن وضعیت یک راوی است و نه تضعیف او به‌وسیله علمای رجال. روشن است که تکرار روایتی با یک مضمون در منابع مختلف معتبر شیعه که از اعتبار منبعی و مؤلف برخوردار هستند و به ضعف راوی تصریح نشده است، می‌تواند به‌صورت نسبی درجاتی از اعتبار را به این روایات ببخشد. افزون بر این مسئله، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، برخی آثار و فواید به‌صورت جداگانه نیز ذکر شده‌اند که می‌تواند قرینه پیرامونی اعتبار روایات بالا به شمار آیند. در ادامه به این روایات اشاره می‌شود.

مسواک موجب پاک‌ی دهان، رضایت پروردگار و شادی ملائک

برخی روایات مسواک را موجب پاک‌ی دهان، رضایت پروردگار و شادی ملائک دانسته‌اند. روایات متعددی با این مضمون وارد شده است. با توجه به اینکه در شماره‌های قبل به روایات ذیل این مضمون اشاره شده بود، در این بخش صرفاً به یک روایت صحیح و گزارشی از تعداد روایات بسنده می‌شود.

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّوَاكُ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ (كلینی). ۱۴۰۷ ق: ۴۵۹/۶؛ حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: مسواک سبب پاکی دهان و خوشنودی پروردگار می‌شود. همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند. براین اساس، روایت فوق از نظر سندی صحیح است. دو روایت صحیح در المحاسن (برقی. ۱۳۷۱ ق: ۵۶۲/۲) و یک روایت صحیح دیگر در خصال (صدوق. ۱۴۱۶ ق: ۶۱۰/۲) با این مضمون وارد شده است. چهار روایت صحیح السند در منابع مختلف با اسناد متفاوت که یک مضمون را می‌رسانند، نشان‌گر اعتبار بالای این مضمون خواهند بود. همچنین، روایاتی با سند ضعیف با این مضمون نیز در کتب معتبر آمده است که وجود این روایات نیز بر اعتبار مجموعه روایات در این زمینه خواهد افزود.

مسواک موجب جلا دادن و قطع آبریزش چشم

در روایتی آمده است: «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّوَاكُ يَذْهَبُ بِاللَّدْمَعَةِ وَيَجْلُو الْبَصَرَ» (كلینی. ۱۴۰۷ ق: ۴۹۶/۶، ح ۷ و برقی. ۱۳۷۱ ق: ۵۶۳، ح ۹۵۸)؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: مسواک زدن، آبریزش چشم را از بین می‌برد و چشم را جلا می‌دهد. این روایت به دلیل وجود «حسن بن علی بن فضال التیمی» در سند که غیر امامی، ولی ثقه است، موثق برشمرده می‌شود (طوسی. ۱۴۲۷ ق: ۳۵۴؛ حلی. ۱۴۰۲ ق: ۳۷).

همچنین، در روایت دیگری در المحاسن می‌خوانیم: «وَعَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّوَاكُ يَجْلُو الْبَصَرَ» (برقی. ۱۳۷۱ ق: ۵۶۳، ۹۵۷).

در سلسله سند این روایت «سکونی» وجود دارد که غیر امامی، ولی بنا بر تحقیق ثقه است. از جمله دلایل ثقه بودن او اینکه «ابراهیم بن هاشم قمی» از مشایخ اجازه و بزرگان شیعه زیاد از او روایت نقل کرده است که نشان‌دهنده مورد اعتماد بودن «سکونی» نزد اوست و اینکه برخی او را به غالی بودن متهم کرده‌اند، یکم اینکه نجاشی منکر چنین نسبتی شده است و دوم اینکه روایتی در این زمینه وارد نشده است (نجاشی. ۱۳۶۵: ۳۸، ۷۷). بنابراین، اشکالی به مورد اعتماد بودن او وارد نمی‌کند. افزون بر آن، با توجه به اینکه محتوای روایت فوق ارتباطی با مبحث غلو ندارد، از این جهت هم از ضعف دور خواهد بود. براین اساس، روایت فوق موثق و از نظر سندی معتبر است.

جناب برقی نیز در المحاسن روایاتی نقل کرده که در آن مسواک جلا دهنده چشم معرفی شده است (برقی. ۱۳۷۱ ق: ۵۶۳، ح ۹۵۵ و ۹۵۹) که این روایات نیز از نظر سندی ضعیف هستند. در تحف العقول نیز روایتی، مسواک را باعث جلای چشم دانسته که این روایت از نظر سندی ضعیف است. بنابراین، مجموع روایات (دو روایت موثق و روایات دیگر) در این زمینه، می‌توانند اعتبار مضمون مورد نظر را برسانند. البته در مورد نقش مسواک در از بین بردن آبریزش چشم، روایتی غیر از روایت فوق در کتب مورد تحقیق این پژوهش یافت نشد.

مسواک موجب از بین بردن بلغم

جناب برقی در المحاسن آورده است: «وَعَنْ أَبِي الْقَاسِمِ وَ أَبِي يُونُسَ عَنِ الْقَنْدِيِّ عَنِ ابْنِ سَنَانَ وَ أَبِي الْبَحْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السُّوَاكُ وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ مَقْطَعَةٌ لِلْبَلْغَمِ» (برقی. ۱۳۷۱ ق: ۵۶۳، ح ۹۵۶)؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: مسواک و قرائت قرآن بلغم را قطع می‌کند.

همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند، غیر از «زیاد بن مروان القندی» که غیر امامی (نجاشی. ۱۳۶۵: ۱۷۱)، ولی مورد اعتماد علمای رجال است. براین اساس، روایت فوق موثق خواهد بود.

در مورد بلغم روایات دیگری نیز آمده است. در ثواب الاعمال (صدوق. بی تا: ۳۴، ح ۳) مسواک از بین برنده بلغم و موجب ازدیاد عقل دانسته شده است. البته این روایت به دلیل وجود «یحیی ابی البلاد» که اطلاعاتی از او در کتب رجالی نیامده از نظر سندی ضعیف است. جناب برقی نیز در المحاسن روایتی نقل کرده که در آن مسواک تمییزکننده و از بین برنده بلغم معرفی شده است (برقی. ۱۳۷۱ ق: ۵۶۳، ح ۹۵۵) که این روایت نیز به دلیل وجود «الفضل بن عیسی بن عبدالله بن عبدالله بن الحارث النوفلی» و نیز «عثیمه ام ولد عبدالسلام بن عبدالرحمن الازدی» که اطلاعاتی از ایشان در کتب رجالی نیامده ضعیف است. در طب الاثمه هم شبیه این روایت آمده است (ابن بسطام. ۱۴۱۱ ق: ۶۶) که آن هم به دلیل وجود «حسین بن بسطام و برادرش» در سند که ایشان هم در کتب رجالی توثیق و تضعیف نشده‌اند، از نظر سند ضعف دارد. در مجموع، با توجه به دو روایت موثق و روایات دیگر در این زمینه، می‌توان این فایده مسواک را نیز معتبر دانست.

چند برابر شدن حسنات

همان‌طور که دیدیم، در روایاتی که در آغاز مقاله مطرح شد، یکی از فواید مسواک چند برابر شدن حسنات بیان شده است. در شماره‌های پیشین گذشت که برخی روایات دلالت دارد که دو رکعت نماز با مسواک، برتر

از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک و در بعضی روایات بهتر از چهار رکعت نماز بدون مسواک است. این روایات با روایاتی که بر چند برابر شدن حسنات دلالت می‌کنند، هماهنگ هستند و یکی از مصادیق چند برابر شدن حسنات، چند برابر شدن ثواب است. بنابراین، روایات کثرت ثواب نماز، می‌تواند قرینه‌ای بر اعتبار آن بخش از روایات پیش گفته باشد. در ادامه، به یک روایت با این مضمون اشاره می‌شود:

«عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقِدَاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: رَكَعَتَانِ بِالسُّوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بغير سوَاكِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَوْ لَأَنْ أَشَقَّ عَلَيَّ أُمَّتِي لِأَمْرَتِهِمْ بِالسُّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ (كلینی. ۱۴۰۷ ق: ۲۲/۳، ح ۱)؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: دو رکعت نماز با مسواک، برتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است و فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: اگر امت من به مشقت و سختی نمی‌افتادند، حتماً آنان را فرمان می‌دادم که برای هر نمازی مسواک بزنند».

راویان این روایت همگی امامی و ثقه هستند و براین اساس، روایت مذکور از نظر سندی صحیح به شمار می‌آید. شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه نیز به صورت مرسل شبیه این مضمون را آورده است (صدوق. ۱۴۱۳ ق: ۵۴/۱).

مسواک موجب زیاد شدن حافظه

شیخ صدوق در کتاب شریف من لایحضره الفقیه در طی روایتی طولانی آورده است: «... يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَ يَذْهَبْنَ الْبَلْغَمَ اللَّبَّانَ وَ السُّوَاكِ وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ... (صدوق. ۱۴۱۳ ق: ۳۶۵/۴)؛ ای علی، سه چیز حافظه را زیاد

می‌کند و بلغم را از بین می‌برد: کندر، مسواک و قرائت قرآن». این روایت به دلیل وجود «انس بن محمد و پدرش» در سلسله سند که اطلاعاتی از آنها در کتب رجالی نیامده از نظر سند ضعیف است.

ایشان در ثواب الاعمال هم آورده است: «أَبَى رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ، عَنْ أَبِيهِ يَحْيَى أَبِي الْبَلَادِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: السَّوَاكُ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ» (صدوق. بی‌تا: ۳۴)؛ مسواک بلغم را از بین می‌برد و عقل را زیاد می‌کند». این روایت به دلیل وجود «یحیی ابی البلاد» در سلسله سند که اطلاعاتی از او در کتب رجالی نیامده ضعیف است. نکته قابل توجه اینکه، این روایت در بعضی نسخه‌ها، «یزید فی الحفظ» آمده است. در بحار الانوار (مجلسی. بی‌تا: ۳۰۶/۵) نیز این روایت به نقل از ثواب الاعمال چنین نقل شده است و همچنین در روایات متعددی که در این زمینه نقل شده، همگی «یزید فی الحفظ» است (ر.ک: طوسی. ۱۳۶۵: ۱۹۱/۴). به احتمال زیاد نسخه صحیح این روایت نیز «یزید فی الحفظ» باشد.

براین اساس، فوایدی مثل رضایت پروردگار، شادی ملائک، پاک‌دهان، جلا دادن چشم، از بین بردن آبریزش چشم، مضاعف کردن حسنات و از بین بردن بلغم از اعتبار نسبتاً بالایی برخوردار هستند و مواردی مثل استحکام لثه، بالا بردن اشتها، زیاد شدن حافظه درجات پایین تری از اعتبار را دارا هستند.

منابع:

- ابن‌بسطام، عبدالله و حسین (۱۴۱۱ ق). طب الاثمه عليه السلام. قم: دار الشریف الرضی.

- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). المحاسن. محقق: محدث، جلال‌الدین. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامیه.

- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ ق). رجال العلامة الحلی. مصحح: بحر العلوم، محمدصادق. قم: الشریف الرضی.

- صدوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی (بی‌تا). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. تهران: مکتبه الصدوق.

- صدوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۶ ق). الخصال. محقق/ مصحح: غفاری، علی‌اکبر. قم: جامعه مدرسین.

- صدوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی‌اکبر. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰). منطق فهم حدیث. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ ق). رجال الطوسی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). الکافی (ط - الإسلامیه). چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الاثمه الاطهار عليه السلام. لبنان: دار احیاء التراث العربی.

- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال النجاشی. تحقیق: شبیری زنجانی، موسی. قم: مؤسسه النشر الإسلامیه.

قاعده «اضطرار»

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم

a.mashkooori@gmail.com

هیچ حرامی نیست، مگر اینکه خداوند در صورت اضطرار آن را حلال کرده است.

یکی از قواعد مهم فقه، قاعده «اضطرار» یا «الضرورات تبيح المحظورات»، یعنی «ضرورت‌ها ممنوعیت‌ها را مباح و جایز می‌کند» است؛ بدین معنی که با بروز اضطرار، تکلیف شرعی از شخص مکلف دچار اضطرار برداشته می‌شود.

اضطرار در لغت به معنای نیاز ضروری (ابن منظور. ۱۴۱۴ ق) و ناچاری و ناگزیری (فیومی. بی تا) و هم‌ریشه واژه ضرورت است. در اصطلاح فقیهان، اضطرار به معنی وضعیت غیرقابل تحمل (محقق اردبیلی. بی تا) و مضطر کسی است که می‌پندارد شرایط موجود احتمالاً می‌تواند باعث مرگ او شود ... و کسی که می‌ترسد بیماری‌اش طولانی‌تر یا معالجه‌اش دشوار شود هم به احتمال قوی‌تر مضطر است (علامه حلی. ۱۴۱۹ ق). به عبارت دیگر، اضطرار عبارت است از «ترس معقول (و نه صرف توهم یا احتمال) از رسیدن زبانی که معمولاً قابل تحمل نیست؛ خواه درباره خود شخص باشد یا فردی که حفظ او بر انسان واجب است؛ از قبیل همسر و فرزندان. خطر نیز مانند خطر مرگ یا نقص عضو یا پیدایش بیماری یا شدت پیدا کردن آن یا طولانی شدن دوره درمان یا مشکل شدن مداوا و یا پیدایش عارضه‌ای که به یکی از آنها منجر گردد و غیرقابل تحمل باشد» (هاشمی شاهرودی. ۱۳۸۲).

در عالم پزشکی نیز در بحث احکام پیوند اعضا، سقط جنین، درمان با محرمت، مراجعه به پزشک نامحرم و... از این قاعده استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال در مورد حکم مراجعه به پزشک نامحرم، امام خمینی رحمته الله علیه چنین فتوا داده‌اند که واضح است دکتر به مریض محرم نیست و

پزشک مرد برای زنان و پزشک زن برای مردان، فرقی با دیگر نامحرمان ندارند. رجوع زن به پزشک مرد، تنها در صورتی جایز است که ضرورت ایجاب کند (امام خمینی. ۱۴۲۴ ق)، اما اگر واقعاً ضرورت ایجاب می‌کند، نگاه به پوشیده‌ترین اندام بیمار نیز جایز خواهد بود (امام خمینی. ۱۳۷۲). یا در مورد جواز استفاده از محرمت برای درمان می‌فرمایند: ملاک این است که پزشکان تشخیص دهند که درمان منحصر به استفاده از این امر حرام است (امام خمینی. ۱۳۹۰) و راه دیگری برای درمان نباشد.

مدرک قاعده اضطرار

برای اثبات اعتبار قاعده اضطرار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. قرآن

آیات متعددی در قرآن می‌توانند دلیل بر این قاعده باشند؛ از جمله آیه ۱۷۳ سوره بقره: «...فَمِنْ اضْطِرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ...اما اگر کسی درمانده شود و تجاوزکار و زیاده‌خواه نباشد، گناهی بر او نیست؛ چراکه خداوند آمرزگار مهربان است». همچنین، در آیات مائده: ۳؛ انعام: ۱۴۵ و نحل: ۱۱۵ رفع حکم اولی در حالت اضطرار به صراحت بیان شده است.

۲. روایات

یکی از مهم‌ترین روایاتی که از آن برای اثبات اعتبار این قاعده استفاده می‌شود، «حدیث رفع» است. در این حدیث امام صادق رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند: «رفع عن أمتی تسعة أشياء: الخطأ و النسيان و ما أكرهوا عليه»

منابع:

- محمد بن مكرم ابن منظور (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بيروت: دار صادر. جلد ۴، ص ۴۸۳.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. چاپ اول. قم: منشورات دار الرضی. ص ۳۶۰.
- علامه حلی (۱۴۱۹ ق). قواعد الاحکام. مؤسسه النشر الاسلامی. ج ۳، ص ۳۳۳.
- محقق اردبیلی (بی تا). زبده البیان فی احکام القرآن. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية. ج ۱، ص ۶۳۶.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲). فرهنگ فقه فارسی. قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی. جلد ۱، ص ۵۷۴.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴ ق). توضیح المسائل (محشی). گردآورنده: سید محمد حسین بنی هاشمی خمینی. چاپ هشتم. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ج ۲، ص ۹۲۹.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). توضیح المسائل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ص ۳۳۷.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیلة. قم: اسماعیلیان. ج ۲، ص ۱۷۰.
- الشیخ حرّ العاملی (۱۴۲۴ ق). وسائل الشیعة، آل البيت. جلد ۱۵، ص ۳۶۹.
- شیخ طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ج ۳، ص ۱۷۷.
- البرقی، احمد بن محمد (بی تا). قم: دار الکتب الإسلامیة. ج ۱، ص ۲۵۹.
- قابل دسترسی در <https://dictionary.thelaw.com/necessitas-non-habet-legem>
- قابل دسترسی در <https://legaldictionary.lawin.org/necessitas-non-habet-legem>

و ما لا یعلمون و ما لا یطبقون و ما اضطرّوا
إلیه... (حر عاملی. ۱۴۲۴ ق)؛ از امت من نه
چیز برداشته شد: خطا و فراموشی، آنچه از
روی اکراه باشد، آنچه را که نمی دانند، آنچه
را که طاقت ندارند، آنچه مورد اضطرار
است و...».

همچنین، از امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی
نقل شده است: «وَرَكَلُ شَيْءٍ اضْطُرَّ إِلَيْهِ ابْنُ
آدَمَ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ (البرقی. بی تا)؛ هر
چیزی که انسان ناچار از استفاده از آن باشد،
خدا برایش حلال کرده است».

همچنین در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل
شده است: «ولیس شیء مّا حرم الله إلا و قد
أحلّه لمن اضطرّ إلیه (شیخ طوسی. ۱۳۶۵)؛
هیچ حرامی نیست، مگر اینکه خداوند در
صورت اضطرار آن را حلال کرده است».

جالب است، بدانیم مضمون این قاعده در
نظام حقوقی بسیاری کشورها دیده می شود؛
از جمله در نظام حقوقی ژرمن که اصطلاح
"Necessitas non habet legem" و "Neces-
sity has no Law" یعنی «ضرورت قانون
نمی شناسد» و با کاربرد مشابه آمده است.

نکته مهم این است که بدانیم این قاعده
نیز همچون دیگر قواعد و قوانین، وقتی در
مقابل قواعد دیگر قرار می گیرد، گستره
نفوذ و عملکردش محدود می شود که در
شماره بعد به این محدودیت ها خواهیم
پرداخت.

قاعده «اضطرار» نیز همچون دیگر قواعد
و قوانین، مرزها و محدودیت هایی دارد.

عبث در نظام سلامت

محسن رضایی آدریانی^۱

دکتر مهرزاد کیانی^۲

دکتر محسن جوادی^۳

دکتر سعید نظری توکلی^۴

دکتر محمود عباسی^۵

سودی برسد، اشیاء را بیافریند.

- آنچه برای آن غرض و قصد صحیحی وجود ندارد.
- کار بدون غرض عقلایی.
- کاری که بدون غرض و حکمت انجام شود.
- کار بدون حکمت یا آنچه فایده‌ای در آن نیست و در وجود داشتنش حکمتی نیست.
- کار بی‌هدف و آنچه بدون هدف باشد.
- کاری که بدون منظور درست انجام شود.
- آنچه انگیزه شایسته و هدف مشخصی ندارد.
- عملی که لعب، بازی، بازیچه و شوخی است.
- جایی که امکانات موجود، بیشتر از نیاز لازم و ضروری تهیه شده است.
- باطل باشد.
- آنچه کار را پایدار نماید، نداشته باشد.

مطابق با این بیان، کارهایی را که در سامانه ارائه خدمات سلامت انجام می‌شود، می‌توان تحلیل کرد و کارهایی که شاخصه‌های عبث

در دو شماره پیش، درباره مفهوم «بی‌نتیجه بودن درمان» صحبت و قرار شد به یاری خداوند متعال، به‌صورت خلاصه نتایج بررسی واژه‌های قرآنی که به نظر می‌رسد با این موضوع قرابتی دارند، تقدیم شود. در این نوشتار، نتایج بررسی واژه قرآنی «عبث» تقدیم می‌شود.

ماده «عبث» و یکی از مشتقات آن در دو آیه کریمه قرآن کریم (مؤمنون: ۱۱۵ و شعراء: ۱۲۸) به کار رفته است. از بین این آیات کریمه، آیه کریمه ۱۱۵ سوره مبارکه مؤمنون «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»، نزدیکی بیشتری با موضوع بی‌نتیجه‌گی و مفهوم مورد بحث دارد.

واژه عبث با سه حرف اصلی «ع ب ث»، به معنی آنچه برای آن غرضی صحیح نیست، می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲). واژه‌شناسی موضوع در واژه‌نامه‌ها و نیز مفاهیم بیان‌شده برای آن از سوی مفسران محترم قرآن کریم، نشان می‌دهد که معانی متعددی برای این واژه به کار رفته است. آن دسته از معانی که بیش از بقیه به مفهوم بی‌نتیجه‌گی پزشکی نزدیک هستند، عبارت‌اند از:

- کاری که فایده‌ای ندارد و بیهوده است.
- انجام کاری که فایده‌اش نامشخص است و یا چیزی که به‌طور مطلق فایده ندارد.
- ارتکاب کار بدون فایده یا کاری که فایده آن معلوم نیست، یا کاری که برای آن فایده‌ای در نظر گرفته نشده است و یا کار بیهوده‌ای که فرد انجام می‌دهد ولی به درد او نمی‌خورد و به کار او نمی‌آید.
- کسی بی‌آنکه بخواهد به خودش یا دیگری

۱- متخصص اخلاق پزشکی، استادیار، مدیر گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

۲- گروه اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- گروه فلسفه، دانشگاه قم، قم، ایران.

۴- گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۵- گروه اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

اکسیژن و مراقبت پرستاری مناسب را در منزل دارد. مطابق با شرایط بالینی بیمار و بر اساس دستورالعمل وزارت، میتوان برای این بیمار استراحت و مراقبت در منزل را تجویز کرد. بستری کردن این بیمار مصداق عبث است. در شرایط اوج گرفتن کرونا (peak)، بستری کردن چنین بیماری میتواند نام‌های دیگری هم به خود بگیرد.

• هر اقدامی که مبتنی بر شواهد تجربی روز دانش پزشکی، نتوان از آن دفاعی معقول کرد، مصداق کار بدون غرض عقلایی و عبث خواهد بود؛ مثلاً وقتی بیمار امکان دریافت مایعات از طریق خوراکی را دارد، تزریق سرم وریدی عبث است. اگر انگیزه کسب درآمد مالی به این اقدام اضافه شود، عناوین دیگری (همچون کسب مال حرام، اسراف، ...) هم به این اقدام اضافه میشود.

• گرفتن رگ بیمار (IV line) بدون اینکه آن را به‌طور دقیق ثابت کنیم، مطابق با آخرین مفهوم فهرست‌شده در این نوشتار (آنچه کار را پایدار نماید، نداشته باشد) و عبث خواهد بود.

منابع:

- قرآن کریم.

- اصفهانی راغب (۱۳۹۲). معجم المفردات الفاظ القرآن. قم: دارالکتاب العربی.

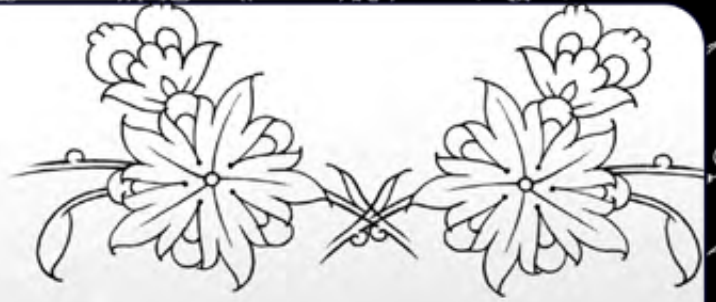
بودن را در خود دارند، می‌توان مشخص کرد. بر این اساس:

• وقتی برای تزریق داخل وریدی (Infusion) یک دارو، به یک‌صد میلی‌لیتر سرم نیاز است و سرم نیم‌لیتری در دسترس است، باز کردن سرم یک‌لیتری مصداق این است که بیش از نیاز لازم و ضروری از امکانات استفاده شده و بنابراین باز کردن سرم یک‌لیتری (با وجود در دسترس بودن سرم نیم‌لیتری) عبث است.

• وقتی بیماری یک فرد مبتلا به سرطان به‌گونه‌ای پیش رود که امکان اقدامی، مانند شیمی‌درمانی یا اشعه‌درمانی نباشد و عملاً دانش تجربی پزشکی نتواند برای درمان بیمار اقدامی انجام دهد و از سوی دیگر، بیماری به‌شدت گسترش یافته و پیش‌رفته است و به نقاط مختلف بدن، از جمله ریه‌ها دست‌اندازی وسیع کرده است، بستری کردن چنین بیماری در بخش مراقبت ویژه «حکیمانه» نیست و گفته شد که کار بدون حکمت، عبث و نادرست خواهد بود.

• وقتی که هنوز پزشک به تشخیص قابل قبول نرسیده است و حال عمومی بیمار هم خوب و علائم وی قابل تحمل است، دارو نوشتن برای چهار یا پنج تشخیص افتراقی باقیمانده، مصداق کاری است که فایده‌اش نامشخص و بنابراین عبث است. • بیمار مبتلا به کووید ۱۹، امکان تهیه

در نظام سلامت، کارهایی که مصداقی از واژه قرآنی عبث باشد، بی‌نتیجه خواهند بود و پرهیز از آنها بر بیمار و کارکنان سلامت لازم و ضروری است.



تحلیل اخلاق - حقوق موارد

جمع پراکنده!

محسن رضایی آذربانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

معرفی مورد

در اتاق عمل یکی از بیمارستان‌های ...، جراح استخوان و مفاصل عجله دارد که هرچه زودتر بیمارش روی تخت جراحی قرار گیرد و بیهوش شود. پزشک بیهوشی که پیش‌تر چالشی با ایشان داشته است، به اشکالی در فرایند استناد می‌کند و از بیهوش کردن بیمار طفره می‌رود. ایشان پیش‌تر بارها و بارها از کنار همین اشکال گذر کرده است، اما این بار بر رفع آن اصرار دارد. پزشک بیهوشی، بیمار جراح عمومی را آماده می‌کند. جراح ارتوپد با حالت قهر و ناراحتی، عمل بیمار را لغو و اتاق عمل را ترک می‌کند. وساطت مدیر عصر و شب (سوپروایزر) هم راه به جایی نمی‌برد.

تحلیل مورد

✓ راهکار رسیدن به موفقیت و یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی، همکاری بین افراد جامعه است. این مفهوم در ادبیات کهن به شکل‌های گوناگون آمده است. حکایت وصیت پدر به فرزندانش و شکسته شدن تک‌تک چوب‌ها و سالم ماندن آن‌ها در هنگام دسته بودن، یکی از موارد مشهور آن است.

✓ در کنار این امر، اختلاف سلیقه هم یکی از ویژگی‌های موجود جوامع انسانی

است. بنابر فرمایش حضرت استاد جوادی آملی «فَقُلْ: در استشهاد به آیات قرآن کریم، اختلاف قبل از علم، پسندیده و موجب رشد است، اما اختلاف بعد از علم و بعد از روشن شدن حقیقت (آل‌عمران: ۱۰۵)، نادرست و غیرقابل قبول است. وقتی روشن شد که طرف مقابل من درست می‌گوید و حق با او بوده است، پافشاری نابجای من بر سخنم، غیرقابل قبول است.

✓ قرآن کریم در آیه کریمه ۱۵۲ سوره مبارکه آل‌عمران، واقعه شکست جنگ احد پس از پیروزی را به‌عنوان مثالی از آثار سوء اختلاف بیان می‌فرماید.

✓ قرآن کریم در آیه کریمه ۴۶ سوره مبارکه مائده، صراحتاً از نزاع و کشمکش نهی می‌فرماید و آن را موجب سستی اراده و خلل در توان مسلمین بیان می‌کند. باید گفت که این قاعده در همه جوامع انسانی حکم فرماست.

✓ برای اجرایی شدن اصل «سودرسانی» و تأمین مصالح و منافع بیمار، این هماهنگی و همکاری در نظام سلامت، به‌ویژه در مراکز درمانی، اهمیت صدچندان پیدا می‌کند. هیچ‌یک از کارکنان مراکز درمانی نمی‌تواند به‌تنهایی همه نیازهای درمانی بیمار را برطرف کند و همه خدمات لازم را به‌تنهایی به او ارائه نماید. کار گروهی (team work)، ضرورت اجتناب‌ناپذیر مراکز درمانی است. برای انجام درست این کار گروهی، لازم است یک نفر مسئول و فرمانده و سرگروه باشد.

✓ هم‌اکنون، پزشک معالج نقشی کلیدی و اساسی در کار گروهی درمان دارد (به درست یا غلط) (عباسی، ۱۳۸۵؛ خانی‌پور

نیاز است کارکنان نظام سلامت، به‌عنوان یک گروه واحد و هماهنگ، به بیمار خدمت‌رسانی کنند.
اختلاف نظر در تصمیم‌گیری‌های بالینی طبیعی است، اما پس از روشن شدن حقیقت، اختلافات باید پایان پذیرد.

یکی از زیبایی‌های آفرینش خداوند توانا، عضله یکپارچه قلبی و نقش گره پیش‌ساز (SA node) آن در هماهنگ نمودن و یکپارچه نمودن ضربان قلب است. به هم ریختن این هماهنگی، مانع ضربان مؤثر و ارسال خون به شریان‌هاست. این هماهنگی زیبا برای ما درس آموز است. در نظام سلامت هم هماهنگی کار گروه درمانی بر عهده پزشک معالج قرار گرفته است. اگر خدای ناکرده پزشکان معالج اختلاف نظر علمی خود را به‌خوبی مدیریت نکنند و آن را به حد کشمکش برسانند، ممکن است این اختلاف به دیگر اعضای گروه درمانی هم کشیده شود و خدای ناکرده مانند عضله قلبی، اختلال نظم (arrhythmia) ایجاد کند که خطرناک و مرگبار است.

منابع:

- قرآن کریم.

- خانی‌پور محسن؛ رحمانی، زهره (۱۳۹۸). «مسئولیت مدنی پزشک و پیراپزشک ناشی از عمل دیگری در حقوق ایران و فرانسه». پژوهش‌های حقوقی. ۱۸(۴۰). ص ۳۵۱-۳۶۸.

- عباسی، محمود (۱۳۸۵). «مسئولیت تیم پزشکی در اعمال جراحی». نشریه جراحی ایران. ۱۴(۳). ص ۱-۱۱.

- گندم‌کار، رقیه؛ صلصالی؛ مهوش و میرزاده؛ عظیم (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر بر آموزش پزشکی در محیط بالینی: تجارب اعضای هیئت‌علمی بالینی». مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۱۱(۳). ص ۲۷۹-۲۹۰.

و رحمانی. (۱۳۹۸). در مراکز آموزشی درمانی، نقش اساتید بالینی در این کار گروهی پررنگ‌تر هم می‌شود (گندم‌کار و همکاران. ۱۳۹۰).

✓ اختلاف نظر در تصمیم‌گیری‌های بالینی طبیعی است. طبیعت دانش بشری، به‌ویژه دانش تجربی این است که بین دو نفر دانشمند و اهل علم، اختلاف نظر پدید آید، اما وقتی همین اختلاف نظر در مراکز درمانی، بر پایه ویژگی «تعهد حرفه‌ای» در برابر بیمار و «تعلق سازمانی» به دیگر اعضای تیم پزشکی و رعایت اصول «ضرررسانی» و «سودرسانی» باشد، سازنده خواهد بود و موجب رشد است. این اختلاف نظر در این بستر، به اصرار نابجا و لجبازی منجر نخواهد شد. دو همکار در تشخیص، تعیین شیوه درمانی، پیش‌آگهی و ... اختلاف نظر پیدا می‌کنند. باید هر یک استدلال خود را به‌صورت روشن بیان کند. تبیین این امور، اختلافات قبل از علم را برطرف کرده و رشد همکاران را در پی خواهد داشت. این اختلاف نظر تا حد اختلاف پیش از علم و تبیین، پسندیده است. پس از روشن شدن وضعیت، فردی که سخنش ناصحیح بود، باید بتواند به‌راحتی سخن همکارش را بپذیرد.

بیمار به عنوان یک شخص ۳

صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی،

دانشگاه علوم پزشکی قم

syoosefee@muq.ac.ir

yoosefee@gmail.com

بخشد: «آنگاه که کسی می‌کوشد موضوع در حال تجربه را با تأمل بر آن، تسخیر نماید، ماهیت خود را از دست می‌دهیم و یک عینیت بیگانه را جایگزین می‌کنیم که اساساً قادر به دریافت چیزی نیست که به‌طور شهودی از آن به‌عنوان هویت درونی خود (تجربه خود) یاد می‌کنیم. تجربه خود نه عینی و نه ذهنی، بلکه بازتابی است.»

به دلیل مبنای رابطه‌ای بین خود و غیر، خود یک رسته اخلاقی است. تاوبر تأکید می‌کند: «اخلاقی» بودن مربوط به حوزه عمومی روابط انسانی و از این نظر خود به‌عنوان حامل اخلاقی است که ما برای بحث در مورد چگونگی تعامل با یکدیگر به کار می‌بریم. وی مفهوم خود را به‌عنوان یک رسته اخلاقی بر فلسفه «غیر» بنیان می‌نهد؛ مانند تفسیر امانوئل لویناس (Emmanuel Levinas) که هستی فرد را بخشی از دیگر بودن یا غیریت می‌داند: «خود نه تنها در رابطه با غیر تعریف می‌شود، بلکه ماهیت وجودی ما در آن بین ذهنی بودن نهفته است. پاسخ غیر به خود، فرصتی برای دستیابی به ماهیت خود فرد فراهم می‌کند. این امر، به‌ویژه آنگاه که فرد دست به عمل در جهان می‌زند، صادق است که پاسخ یک غیر به عمل (کنش) یک فرد به تعریف خود فرد کمک می‌کند. بنابراین، خود به‌عنوان بخشی از یک فرایند دیالکتیکی ظهور می‌کند. با توجه به رابطه‌ای بودن فرایند، کنش‌های آن اساساً اخلاقی است؛ یعنی ما ابتدا اخلاقی هستیم، قبل از آنکه دانا باشیم. این ماهیت اخلاقی خود در فراخوانی غیر در برابر مسئولیت آشکار است: «مفهوم خود نه فقط در ارتباط با غیر، بلکه با مسئولیت در مقابل غیر، تعریف می‌شود.»

همچنین، تاوبر مفهوم خود را به‌ویژه با توجه به بازنگری اخلاق پزشکی و با توجه به رابطه پزشک و بیمار، در استقلال بیمار و اخلاق مسئولیت‌پذیری توسعه داد. وی گونه‌ای از

در شماره پیشین، به مفهوم مورد نظر اریک کاسل از شخص پرداختیم. در این شماره به مفهوم بیمار از دیدگاه آلفرد تاوبر (Alfred Tauber) اشاره می‌شود. تاوبر مفهوم بیمار را در قالب یک خود بیان می‌کند. او نیز مدل دوگانه‌انگاری مرسوم ذهن و بدن و نیز مدل فروکاهشی طب رایج که تنها به دنبال درمان بدن فیزیکی است، را رد می‌کند. مشکل دوگانه‌انگاری ذهن / بدن این است که وسیله مناسب برای اتصال ذهن و بدن در عمل طبابت وجود ندارد. تاوبر معتقد است که در عرصه پزشکی، تفکیک ذهن / بدن شاید برای یک رویکرد علمی مفید باشد، اما درمان بیماری منحصر به یک مسئله معرفت‌شناختی نبوده و اساساً یک مسئله اخلاقی است که به فهم دقیق‌تری از بیمار نیاز دارد و تصور قسمت بدن در اینجا و ذهن در آنجا ساده‌انگارانه است. رویکرد تاوبر به بیمار، در قالب یک خود و البته نه یک خود منقطع از دیگران، بلکه یک خود مرتبط با دیگران است.

تاوبر خود را در قالب یک عامل خودمختار و مستقل از دیگر عوامل خودمختار، آن‌طور که از عصر روشنفکری در جامعه غربی مرسوم بوده است در نظر نمی‌گیرد، بلکه او را در ارتباط با دیگران (غیر) می‌داند. از نظر او «یک شخص موجودیتی خودکفا، دارای تعریف مستقل و یا مستقلاً بنیان‌یافته به هر تعبیر دیگری نیست، بلکه هویت یک شخص در مواجهه با دیگران (چه فیزیکی، اجتماعی یا الهی)، احراز می‌شود.» بنابراین، شخص به‌عنوان خود، همیشه با بافتاری همراه است که غیر از او را نیز شامل می‌شود. خود و دیگری ارتباط نزدیکی باهم دارند و به‌عنوان دو قطب که یک کل مرتبط را تشکیل می‌دهند، عمل می‌کنند. در حقیقت، «دیگری نقش تعیین‌کننده‌ای در مفهوم خود دارد؛» زیرا خود، در روابط با غیر محقق می‌شود و یک خود، به‌تنهایی نمی‌تواند خودش را تحقق

معرفت‌شناسی اخلاقی را ارائه می‌کند که در آن حقایق پزشکی علمی با ارزش‌های بیمار و حرفه پزشکی در تعادل است. ارزش اصلی حرفه پزشکی باید مسئول مراقبت از بیمار مختار به شیوه‌ای انسانی باشد. تاوبر ادعا می‌کند: «من به دنبال ساختن شخصانیت و اختیار هستم که تعادل حقوق و مسئولیت‌ها را به گونه‌ای سازگار با برنامه اخلاقی عمیق‌تر اخلاق مراقبت فراهم کند». به همین منظور، او بین خود اتمی (جزء تفکیک‌ناپذیر) و اجتماعی، به‌ویژه از نظر نقش عقل و اشتیاق در انتخاب همراه با اختیار و حقوق و مسئولیت‌های فردی و همگانی، تمایز قائل می‌شود.

خود اجتماعی «اساساً همان چیزی است که هویت اجتماعی ما برایمان به همراه دارد. اگرچه یک لایه زیست‌شناختی مشخص وجود دارد که هر خود را می‌سازد، هیچ خود محوری وجود ندارد. اجتماعی شدن چیزی است که به تکوین خود از لایه زیست‌شناختی می‌انجامد. به عبارت دیگر، هیچ خودی جدا از تجربه اجتماعی فرد وجود ندارد. خود اتمی البته، نشان‌دهنده هویت منحصر به فرد و واحدی است که می‌تواند از خود اجتماعی که جهان به ما ارزانی می‌دارد، متمایز شود».

خود اتمی هیچ جایگاه ویژه و تمرکز واحدی از درک را اشغال نمی‌کند؛ زیرا هر فرد دارای یک عینیت امن برای بررسی جهان از هر چشم‌اندازی است و با استفاده از یک عقل کلی، جهان را به شکل منطقی و عینی همانند بقیه می‌بیند. مفهوم خود اتمی برای کار علمی حیاتی است؛ زیرا هویت جداگانه (خود «محوری»)، مستقل از جهان که برای تحقیق در مورد آن جهان مورد نیاز است را ارائه می‌دهد. خود اتمی به بهترین وجه در دیدگاه فردگرایی آمریکایی که در آن شخص به‌عنوان فرد بی‌نیاز و مستقل از دیگران است، نشان داده می‌شود.

تاوبر معتقد است که در عرصه پزشکی، تفکیک ذهن/ بدن شاید برای یک رویکرد علمی مفید باشد، اما درمان بیماری منحصر به یک مسئله معرفت‌شناختی نبوده و اساساً یک مسئله اخلاقی است که نیاز به فهمی دقیق‌تر از بیمار دارد و تصور قسمت بدن در اینجا و ذهن در آنجا ساده‌انگارانه است.

سرانجام، تاوبر درمی‌یابد مفهوم خود منطقی کانت در تقابل با مفهوم خود احساسی/ هیجانی هیوم است و این مبنایی برای کنش اخلاقی یا مسئولانه فراهم می‌آورد. از نظر کانت، خود یک عامل منطقی است که همه ویژگی‌های دیگر موضوع آن هستند. پیامد این موضع این است که شخص به یک محور عینیت‌یافته تبدیل می‌شود: «خود یا Ego را نمی‌توان مانند یک شیء طبیعی مستقیماً درک کرد و خود-آگاهی ما پس از آن به یک موضوع طبیعی دیگر برای بررسی موشکافانه تبدیل می‌شود». خود منطقی کانت در پاسخ به خود احساسی هیوم است. به گفته تاوبر، هیوم جستجوی یک خود پیوسته یا یک هویت محوری یا Ego را رها کرد و به گروهی از ادراکات که به وسیله حافظه برای سهولت روان‌شناختی در شناسایی شخصانیت ما کافی است، بسنده کرد.

از نظر تاوبر، موضوع این است که چگونه تنش بین این مفاهیم خود را حل کنیم تا خودمختاری را از حقوق فردی نجات دهیم. راه حل تعادل این حقوق فردی با اخلاق مسئولیت‌پذیری برای دستیابی به «خودمختاری رابطه‌ای» مبتنی بر «خود رابطه‌ای» است. برای این منظور، او ترکیبی از خود اتمی و اجتماعی و خود منطقی و احساساتی را برای حفظ خودمختار در پزشکی پیشنهاد می‌کند. این حقایق مربوط به فردیت از نظر ارائه مفهوم غنی‌تری از خود، مکمل یکدیگر هستند.

منابع:

Marcum, J. A. (2008). *Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine* (Vol. 99). Netherlands: Springer.

اهدای گامت و جنین

در درمان ناباروری از دیدگاه پزشکی
فقهی، حقوقی، اخلاقی،
روان شناخته و جامعه شناخته



این کتاب، دستاورد پژوهش گروهی از محققان است که چاپ یکم آن در سال ۱۳۸۴ از سوی مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» و پژوهشکده ابن سینا در ۴۹۲ صفحه، برای استفاده دانشجویان و پژوهشگران این عرصه و دیگر علاقه‌مندان عرضه شد.

به‌طورکلی، بحث تولیدمثل حساسیت و محدودیت‌های قانونی و شرعی و اجتماعی خاصی را در فتاوا و قوانین و فرهنگ اسلامی دارد. این تحولات و پیشرفت‌ها، به‌ویژه در باروری با دخالت عامل بیگانه، دیدگاه‌های مختلف اخلاقی، شرعی و قانونی را در رد یا پذیرش آن فراهم کرده و در این ارتباط، نقش مذهب به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در مباحث مربوط به حقوق تولیدمثل مورد توجه قرار گرفته است. فناوری جدید با سرعتی سرسام‌آور به پیش می‌رود و در این رابطه فتاوا و قوانین و محدودیت‌های اخلاقی، نیازمند اظهار نظر و تدوین هستند.

این کتاب مشتمل بر مقالاتی مربوط به اهدای گامت و جنین در درمان و ناباروری است که از ابعاد مختلف پزشکی، فقهی، حقوقی، اخلاقی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بررسی شده است. مقالات حاضر به مناسبت همایشی با همین

عنوان فراهم آمد که در سال ۱۳۸۴ برگزار شد. برخی مقالات این مجموعه عبارت‌اند از: «آشنایی با لقاح طبیعی، لقاح خارج رحمی و ضرورت استفاده از گامت جایگزین در درمان ناباروری»، محمدمهدی آخوندی؛ «تزریق اسپرم مرد اجنبی در رحم زن»، محمدرضا سیستانی؛ «نارسایی‌های قانون ایران درباره اهدای گامت و جنین با توجه به حقوق طبیعی»، سیدحسین صفایی؛ «بررسی دلالت‌های عملی اصول اخلاق پزشکی در اهدای گامت و جنین»، کیارش آرامش و «تجارب روانی اجتماعی قابل مشاوره در زنان مواجهه با مشکلات باروری»، بهزاد و جمال شمس.

زهرا علایی طباطبایی

دانشکده سلامت و دین

زالل سلامت

غزل مزار

باید حضور دل در پنهان و آشکارا
تا در کنار خاکم پندی دهم شما را
خوانید از دل و جان دلدارتان خدا را
خواهید از بقا را خوانید باوفا را
آفات نقد عمرت فرصت شمار یارا
آنگه درآی بزم پیران پارسا را
وقت سفر بگیرد جیبا رد عصا را
خیر کثیر حکمت هم درد و هم دوا را
تا بر تو عرضه دارد اسرار ماسوا را
جور است از بخوانم جز مصحف و دعا را
لطف است گر پذیرد این زار بی‌نوا را
از آسمان جان رندان باصفا را
کآب زلال خیزد از قلب سنگ خارا
خوش‌تر ز تخت و بخت اسکندر است و دارا
یا رب مباد دستی دلداده‌ی فنا را
خورشید خاور خود گرداند این سها را

باد صبا کجائی گو دوستان ما را
آیا شود که روزی آید بر مزارم
کای کاروان همره وی همره‌ان آگه
دنیا بقا ندارد با کس وفا ندارد
اوقات نقد عمرم شد از کفم به حسرت
بنیوش از من این پند مینوش ساغری چند
ای سرو چارده سال قد کمان بیاید
یک اربعین به زندان بنشین تا بیابی
بزدای زنگ و رنگ جام جهان‌نما را
حیف است گر بخواهم جز یار نازنینم
فضل است از ببخشد این مفلس گدا را
یادش شهاب رجم شیطان ما رد آمد
ای دل بدار شرمی از این قساوت و رین
در خلوت سحرگه وقتی که عاشقان راست
در کارگاه هستی جز عیش عشق و مستی
نجم خجسته خواهد از یار مهربانش